« شعله در جنگل: جنگ خلق در هند»

هند، کشوری با ظاهر دموکراسی پارلمانی و رشد اقتصادی، در ژرفای خویش در حال تکوین یک تناقض عمیق و انفجار تاریخی‌ست. طبقات حاکمه، با ائتلاف سرمایه‌داران انحصاری بومی، فئودال‌های مدرن، شرکت‌های چندملیتی و امپریالیست‌های غربی، تلاش دارند ساختار نیمه‌فئودالی-نیمه‌مستعمراتی جامعه را با نقابی نوین از نئولیبرالیسم تحکیم بخشند. این طبقات در کنار رژیم فاشیستی هندویی مودی، هرگونه مقاومت مردمی را یا به ابزار تحریف و ادغام بدل می‌سازند یا آن را با قساوت سرکوب می‌کنند .

در چنین شرایطی، جنبش انقلابی هند به رهبری حزب کمونیست مائوئیست، برخلاف عقب‌نشینی‌های موضعی و فشارهای سنگین نظامی-تبلیغاتی، نه‌تنها هنوز پابرجاست، بلکه نشانه‌هایی از بازسازی درونی و تحکیم مجدد را بروز می‌دهد. واقعیت این است که حزب، با حفظ استقلال سیاسی و ایدئولوژیک، بر اصل جنگ خلق تکیه کرده و روستاها را کانون استراتیژیک انقلاب قرار داده است؛ بر این اساس، استراتیژی محاصرهٔ شهرها از طریق روستاها نه‌تنها یک شعار بلکه یک مسیر عینی تاکتیکی است که در مناطق مختلف هند در حال آزمایش و گسترش استِ .

ساختار کنونی جنگ خلق، مبتنی بر فعالیت‌های مسلحانهٔ ارتش آزادی‌بخش خلق (PLGA)، حمایت مردمی در مناطق قبیله‌نشین (به‌ویژه آدیواسی‌ها)، و ایجاد ساختارهای خودمدیریتی انقلابی در "مناطق تحت کنترل" است. در مناطقی از چتیسگر، جارکند، اودیشا، تلنگانه و آندرا پرادیش، حکومت بورژوایی عملاً ناتوان از اعمال قدرت مستقیم است و همین امر نشان می‌دهد که ستون فقرات دولت بورژوایی تنها در مناطق مرکزی و اقتصادی کشور فعال است و پیرامون هند در حال واگذاری به بحران ساختاری و بی‌ثباتی سیاسی می‌باشد .

با وجود عملیات‌های وسیع ضدچریکی چون "شکار سبز"، استفاده از پهپاد، جاسوس، تطمیع روستاییان، ترور رهبران محلی، تخریب منابع غذایی و حتی سوزاندن جنگل‌ها، حزب موفق شده است ضمن حفظ نیروی مسلح خود، توازن را در سطح "دفاع استراتیژیک" نگهدارد. دشمن طبقاتی، گرچه توانسته‌است در برخی نقاط ضرباتی وارد سازد، اما قادر به نابودی ساختار انقلابی در مجموع نبوده‌است. به‌ویژه آن‌که حزب بر تجدید آموزش‌های ایدئولوژیک، جذب جوانان نو، و ارتقاء سطح سیاسی کادرها تمرکز مضاعف نموده‌است .

در شرایطی که ناسیونالیسم هندویی به ابزاری برای انسجام فاشیستی بدل شده و اقلیت‌های مذهبی، زبانی و فرهنگی زیر فشار فرهنگی و نظامی قرار دارند، حزب توانسته‌است هم‌زمان با مبارزهٔ طبقاتی، تضادهای ملی و فرهنگی را نیز در درون مبارزهٔ انقلابی تلفیق کند. حضور گستردهٔ زنان در ارتش آزادی‌بخش، مشارکت قومیت‌های تحت ستم در نهادهای سیاسی روستایی، و ترویج آموزش، بهداشت و عدالت انقلابی در مناطق آزادشده، سندی از مضمون دموکراتیک و مردمی این انقلاب است .

با آن‌که تبلیغات بورژوازی تلاش دارد این جنبش را به "تروریسم داخلی" تقلیل دهد، اما مضمون تاریخی و طبقاتی آن، عمیق‌تر از هر برچسب رسانه‌ای‌ست. جنگ خلق در هند نه شورش آنی، بلکه یک پروسهٔ درازمدت تاریخی است که در بطن تناقضات عینی این جامعه زاده شده و به همین سبب، نابود ناشدنی‌ست. از همین رو، هر عقب‌نشینی حزب مائوئیست را باید در چهارچوب تاکتیک‌های جنگی و نه شکست‌های استراتژیک تفسیر کرد .

در شرایطی که جهان به‌سوی بحران عمومی سرمایه‌داری، جنگ‌های نیابتی، و تعمیق شکاف طبقاتی پیش می‌رود، تجربهٔ حزب کمونیست مائوئیست هند بار دیگر نشان می‌دهد که راه نجات مردم در کشورهای تحت سلطه، نه دموکراسی لیبرال و نه اصلاحات پارلمانی، بلکه

تدارک انقلاب نوین دموکراتیک و گذار به سوسیالیسم از مسیر جنگ خلق است.

فصل اول

هند، جامعه‌ای نیمه‌فئودالی و نیمه‌مستعمره

در نگاه نخست، هند کشوری‌ست با نهادهای رسمی دموکراتیک، اقتصاد رو به رشد، ارتش نیرومند، و حضوری پررنگ در صحنهٔ بین‌المللی. اما ورای این تصویر تبلیغاتی که طبقهٔ حاکمه و رسانه‌های امپریالیستی ترسیم می‌کنند، واقعیت ساختاری هند چیزی جز یک جامعهٔ نیمه‌فئودالی و نیمه‌مستعمره نیست، آن‌گونه که در تحلیل‌های مارکسیستی–لنینیستی–مائوئیستی شناخته شده است.

۱ .ساختار طبقاتی هند: تسلط سرمایه‌داری بوروکراتیک و مناسبات فئودالی

جامعهٔ هند، به‌رغم گسترش صنعت و شهرنشینی، هنوز در بند مناسباتی‌ست که در آن زمین، قدرت و تولید، در اختیار قشر محدودی از زمینداران بزرگ، سرمایه‌داران بومی و شرکت‌های چندملیتی قرار دارد. بنا بر آمار رسمی دولت هند:

- بیش از ٪۷۰ نیروی کار هند در بخش غیررسمی و عمدتاً روستایی مشغول‌اند؛
- نزدیک به ٪۶۰ زمین‌های زراعتی در اختیار ٪۱۰ از مالکان قرار دارد؛
- میلیون‌ها دهقان و کشاورز کوچک، بدون زمین یا با قطعات خرد و غیرقابل تولید زندگی می‌کنند؛
- ساختار «کاست» و روابط پدرسالارانه، شکل فئودالی سلطه را در سطح اجتماعی بازتولید می‌کند.

در واقع، نوعی پیوند عضوی میان سرمایه‌داری وابسته (بوروکراتیک–کمپرادور (و فئودالیسم مدرن‌شده شکل گرفته است که منافع آن در مرکز و ایالت‌ها در هم تنیده‌اند.

۲ .وابستگی به امپریالیسم

هند اگرچه استقلال سیاسی را در سال ۱۹۴۷ به‌دست آورد، اما هیچ‌گاه به استقلال اقتصادی و سیاسی واقعی نرسید. پس از دههٔ ۱۹۹۰، با باز شدن دروازه‌های اقتصاد به‌روی نهادهای مالی بین‌المللی، کشور به شکلی فزاینده در تارهای وابستگی امپریالیستی گیر افتاد:

- بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول با تحمیل برنامه‌های تعدیل ساختاری، کشاورزی سنتی و معیشتی را نابود کرده و دهقانان را به مهاجرت وا داشته‌اند؛
- شرکت‌های چندملیتی چون وِدانتا، ریولیانس، پوزو و بی‌پی منابع طبیعی مناطق آدیواسی‌ها (قبایل بومی) را استَخراج می‌کنند؛
- بازار کار هند به عنوان مخزن نیروی کار ارزان و منعطف برای سرمایه‌داری جهانی عمل می‌کند؛
- دولت هند در مناسبات استراتژیک نظامی با امپریالیسم آمریکا، اتحادیهٔ اروپا و رژیم صهیونیستی پیوسته مشارکت دارد.

در نتیجه، دولت هند نه به‌عنوان نمایندهٔ مردم، بلکه به‌مثابه کارگزار سرمایه‌داری امپریالیستی عمل می‌کند و ابزار سرکوب انقلابیون، دهقانان، زنان و اقلیت‌ها شده است.

۳ .دموکراسی پارلمانی یا دیکتاتوری طبقات حاکمه؟

یکی از ایدئولوژیک‌ترین پرده‌پوشی‌های نظام حاکم، نمایش دموکراسی است. پارلمان، انتخابات و قانون اساسی، در ظاهر نمود مردمی دارند، اما در عمل، قدرت سیاسی در دستان ائتلافی از سرمایه‌داران کلان، زمینداران، بورژوازی کمپرادور و بروکراسی نظامی-اداری قرار دارد.

- در انتخابات، پول، رسانه و حزب‌های وابسته به سرمایه صحنه را کنترل می‌کنند؛
- جنبش‌های مستقل مردمی، مانند اعتراضات کشاورزان یا جنبش‌های آدیواسی، با سرکوب، زندان و ترور پاسخ داده می‌شوند؛
- دموکراسی فقط در محدودهٔ منافع طبقهٔ حاکمه قابل‌تحمل است. هرگاه فراتر رود، همان «بزرگ‌ترین دموکراسی جهان» چهرهٔ فاشیستی خود را برملا می‌کند.

۴ .تضادهای عمده در جامعهٔ هند

از دید مائوئیستی، تحلیل مشخص از تضادهای مشخص، پایهٔ حرکت انقلابی است. در هند امروز، می‌توان تضادهای عمده را چنین برشمرد:

- تضاد میان دهقانان بدون‌زمین و زمینداران؛
- تضاد میان خلق‌های بومی (آدیواسی‌ها، دالیت‌ها) و دولت مرکزگرا و توسعه‌طلب؛
- تضاد میان کارگران و سرمایه‌داران وابسته؛
- تضاد میان مردم هند و امپریالیسم جهانی؛
- و در سطح سیاسی، تضاد میان دولت بورژوازی بزرگ و نیروهای انقلابی، به‌ویژه حزب کمونیست مائوئیست هند.

۵ .بذر انقلاب در دل استبداد و استثمار

در چنین ساختاری، انقلاب تنها گزینهٔ واقعی برای خلق‌های ستمدیده است. حزب کمونیست مائوئیست هند، بر بنیاد تحلیل دقیق از این مناسبات، استراتژی جنگ خلق را در پیش گرفته است. مناطقی چون چتیسگر، جارکند، اوریسا، بیهار و آندرا پرادیش، به کانون‌های مقاومت انقلابی و تشکیل ارگان‌های قدرت نوین بدل شده‌اند.

در شرایطی که نظام سرمایه‌داری جهانی در بحران است، و دولت‌های نئولیبرال در هند و دیگر کشورها تنها به سرکوب و چپاول متوسل می‌شوند، شکوفایی مبارزهٔ دهقانی و مقاومت مسلحانه در جنگل‌ها و روستاها، پژواکی‌ست از امکان واقعی دگرگونی بنیادی.

فصل دوم

پیدایش و تکامل حزب کمونیست مائوئیست هند

پدید آمدن حزب کمونیست مائوئیست هند نه یک حادثهٔ فردی، بلکه تبلور تاریخی روندی

انقلابی در دل ستم، استثمار و سرکوب درازمدت در جامعهٔ هند است. این حزب از دل مبارزات پرشور دهقانی و تجارب شکست‌ها و پیروزی‌های جنبش‌های چپ رادیکال بیرون آمد و با درونی‌سازی خط مارکسیستی-لنینیستی-مائوئیستی، پرچم جنگ خلق را برافراشت.

۱ .ریشه‌های تاریخی: جنبش نکسل‌بری(Naxalbari)

آغاز حرکت رادیکال انقلابی در هند نوین به جنبش نکسل‌بری در سال ۱۹۶۷ بازمی‌گردد. در این سال، در روستای نکسل‌بری واقع در ایالت بنگال غربی، دهقانان تهیدست علیه زمینداران و مقامات محلی شوریدند. این جنبش به رهبری کادرهایی از حزب کمونیست هند (مارکسیست)، مانند چاروماندا، کانهایال سانیال و دیگران، جرقهٔ جنبش نوین کمونیستی را روشن ساخت.

- جنبش نکسل‌بری الهام‌گرفته از انقلاب فرهنگی چین و رهبری مائو تسه‌تونگ بود؛
- در مدت کوتاهی، شورش به ایالت‌های دیگر گسترش یافت و ده‌ها سازمان مارکسیستی-لنینیستی شکل گرفت؛
- به‌دلیل سرکوب شدید دولت و ضعف‌های ایدئولوژیک، بسیاری از این گروه‌ها پراکنده یا منهدم شدند، اما خط انقلابی در بخشی از آن‌ها تداوم یافت.

۲ .شکل‌گیری احزاب پیشروCPI(ML), PWG, MCC :

از میان جریان‌های متعدد چپ رادیکال، دو حزب برجسته توانستند پایه‌های نظری، سیاسی و سازمانی مبارزهٔ مسلحانه را توسعه دهند:

- حزب کمونیست هند (مارکسیست-لنینیست) جنگ خلق [PWG] در ایالت آندرا پرادیش، که مبارزهٔ چریکی و سازمان‌دهی توده‌ای را در مناطق قبیله‌ای به‌پیش برد؛
- مرکز کمونیستی هند [MCC] در بیهار و جارکند، که بر شکل‌گیری ارگان‌های قدرت نوین، عدالت انقلابی، و تسلیح دهقانان تمرکز کرد.

هر دو حزب با تمسک به خط مائوئیستی جنگ طولانی خلق، مناطق «پایهٔ انقلابی» در دل جنگل‌ها و کوه‌ها ایجاد کردند. در این مناطق، مردم علیه زمینداران و نیروهای امنیتی دولت، به کمک انقلابیون، خود را سازماندهی کرده و هسته‌های قدرت نوین را پایه‌گذاری نمودند.

۳ .وحدت استراتژیک و تأسیس حزب کمونیست مائوئیست هند

در ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۴، دو حزب پیشرو PWG – و – MCC پس از سال‌ها گفت‌وگو و همکاری عملی، در یک گام تاریخی، با هم متحد شدند و حزب کمونیست مائوئیست هند ((CPI(Maoist)را تشکیل دادند.

ویژگی‌های این وحدت عبارت بودند از:

- پذیرش صریح ایدئولوژی مارکسیزم-لنینیزم-مائوئیزم به عنوان راهنمای عمل؛
- تأکید بر انقلاب نوین دموکراتیک در چارچوب جنگ خلق طولانی؛
- طرد پارلمانتاریزم و سازش‌کاری، و تکیه بر قدرت مستقل انقلابی خلق؛
- سازمان‌دهی ارتش چریکی آزادی‌بخش خلق(PLGA) ، به‌عنوان بازوی مسلح انقلاب؛
- پذیرش تجربهٔ انترناسیونالیستی و همبستگی با جنبش‌های مائوئیستی جهان.

این وحدت، بزرگ‌ترین نیروی انقلابی زیرزمینی هند را پدید آورد که اکنون در بیش از ۱۲ ایالت فعالیت دارد.

۴ .ساختار، روش‌ها و پایگاه‌های توده‌ای

حزب کمونیست مائوئیست هند، برخلاف احزاب سنتی، بر اساس اصول سازمانی خاصی شکل گرفته است:

- حزب مخفی، تحت رهبری مرکزیت انقلابی و واحدهای محلی، با سلسله‌مراتب دموکراتیک–متمرکز؛
- ارتش چریکی خلق، به عنوان نیروی اصلی مقابله با دولت و دفاع از توده‌ها؛

- سازمان‌های توده‌ای زنان، دهقانان، جوانان، اقلیت‌های ملی و مذهبی که زیر چتر جبههٔ متحد خلق فعالیت می‌کنند؛
- تأسیس حکومت‌های خلقی در مناطق پایه، با ارگان‌های عدالت، تعلیم، تقسیم زمین، و مشارکت زنان؛
- استفاده از جنگ چریکی سیار در کوهستان‌ها، جنگل‌ها و مناطق روستایی، به‌ویژه مناطق موسوم به «کمربند سرخ.(Red Corridor) »

۵ .دست‌آوردها و چالش‌ها

در طول دو دههٔ اخیر، حزب دستاوردهای چشم‌گیری داشته است:

- توزیع زمین در میان دهقانان فقیر؛
- نابودی مراکز ظلم زمینداران و قاچاق‌بران؛
- آموزش ابتدایی برای کودکان روستایی در مناطق دورافتاده؛
- ارتقای نقش زنان در مبارزه و رهبری انقلابی؛
- جلوگیری از غارت منابع طبیعی توسط شرکت‌های چندملیتی.

اما هم‌زمان با این پیشرفت‌ها، چالش‌های بزرگی نیز پدید آمده است:

- سرکوب شدید دولت مرکزی هند از طریق عملیات نظامی (مانند عملیات شکار سبز (Operation Green Hunt –؛
- تکنولوژی پیشرفتهٔ نظارت، نفوذ و جنگ سایبری علیه ساختار مخفی حزب؛
- هم‌دستی احزاب «چپ قانونی» با دولت در منزوی ساختن حزب؛
- پراکندگی مناطق پایه‌ای و دشواری در ایجاد خطوط ارتباطی امن و منسجم.

فصل سوم

جنگ خلق در هند: جغرافیای انقلاب و

میدان‌های نبرد طبقاتی

مبارزۀ حزب کمونیست مائوئیست هند در سطحی وسیع و پیوسته، نه فقط به‌عنوان یک مبارزۀ دفاعی، بلکه به‌مثابه یک جنگ خلق با چشم‌انداز قدرت‌گیری انقلابی پیش برده می‌شود. در این فصل، ساختار جغرافیایی و طبقاتی این نبرد، توازن نیروها، و وضعیت کنونی انقلاب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱ .کمربند سرخ: جغرافیای شورش انقلابی

منطقه‌ای که حزب در آن بیش‌ترین فعالیت نظامی و سیاسی را دارد، معروف است به‌کمربند سرخ .(Red Corridor) این کمربند ناحیه‌ای متشکل از مناطق جنگلی، قبیله‌ای و کوهستانی است که از شرق به غرب و شمال به جنوب کشور امتداد دارد:

- ایالت‌های اصلی شامل:
  - *چتیسگر(Chhattisgarh)*
  - *بیهار(Bihar)*
  - *جهارکند(Jharkhand)*
  - *اودیشا(Odisha)*
  - *مادیا پرادیش، ماهاراشترا، آندرا پرادیش، بنگال غربی، تیلنگانا و کرالا*

طبق گزارش‌های دولتی، تا سال ۲۰۲۳، در حدود ۹۰ ولسوالی (districts) از ۱۰ ایالت فعالیت چریکی وجود داشته است، با بیش‌ترین شدت در ایالات چتیسگر، جهارکند و اودیشا.

این مناطق عموماً دارای مشخصات مشترک‌اند:

- تمرکز بالای جوامع قبایلی (آدیواسی‌ها (که سال‌ها از خدمات اولیه محروم بوده‌اند؛
- تسلط زمینداران، شرکت‌های معدن‌کار، و نیروهای امنیتی دولتی بر منابع و زندگی مردم؛
- سطح بالای بی‌سوادی، فقر و بیکاری؛

- دسترسی سخت دولت به این مناطق، که باعث شده ساختار قدرت دولت شکننده باشد.

۲ .ارتش چریکی آزادی‌بخش خلق(PLGA)

بازوی مسلح حزب، ارتش چریکی آزادی‌بخش خلق هند People's Liberation) (Guerrilla Armyاست که به‌طور مخفیانه در مناطق تحت نفوذ فعالیت می‌کند.

- تشکیل‌شده در سال ۲۰۰۰، پیش از وحدت نهایی حزب؛
- دارای ساختار سه‌لایه: دسته‌های چریکی سیار، پایگاه‌های جنگی محلی، و نیروهای شبه‌نظامی خلق؛
- فرماندهی و آموزش تحت نظارت حزب، با تلفیق جنگ‌های کمین، تخریب خطوط انتقال منابع دولت، و مصادرهٔ سلاح‌های دشمن؛
- شامل هزاران جنگجوی زن، که بیش از ٪۳۰ ارتش را تشکیل می‌دهند، در برخی مناطق حتی اکثریت.

بر اساس آمار تقریبی سازمان‌های حقوق بشری و تحلیل‌گران مستقل:

- تعداد کل نیروهای فعال چریکی :(PLGA) بین ۶,۰۰۰ تا ۱۲,۰۰۰ تن؛
- نیروهای پشتیبانی مردمی (سازمان‌های توده‌ای :(ده‌ها هزار نفر؛
- حلقه‌های اطلاعاتی و لجستیکی محلی :صدها شبکه محلی از مردم دهقان.

۳ .ارگان‌های قدرت نوین: عدالت خلق و حکومت‌های مردمی

در مناطق تحت تسلط حزب، ساختارهایی نوین بر بستر انقلابی بنا شده‌اند، به‌نام) Janatana Sarkar حکومت‌های خلقی(، که بدیل حاکمیت دولتی‌اند:

- دادگاه‌های خلقی برای حل منازعات زمین، خشونت علیه زنان، فساد، و جرایم اجتماعی؛
- مدارس انقلابی و کلاس‌های سوادآموزی برای کودکان و بزرگسالان؛
- تقسیم مجدد زمین و توقف اخراج دهقانان فقیر؛

- **تأسیس گروه‌های زنان علیه ازدواج اجباری، خشونت خانگی، و سنت‌های ارتجاعی؛**
- **مصادرهٔ مال و منابع زمینداران، و جلوگیری از تاراج منابع طبیعی توسط شرکت‌های خصوصی.**

۴ .پاسخ دولت هند: سرکوب، شبه‌نظامیان، و جنگ روانی

دولت هند، به رهبری احزاب بورژوایی چونBJP ، سال‌هاست که این جنبش را «تهدید شماره یک داخلی» می‌خواند و با عملیات وسیع نظامی در پی نابودی آن است:

- **عملیات شکار سبز (Operation Green Hunt) از سال ۲۰۰۹ آغاز شد، با استفاده از ده‌ها هزار نیرو؛**
- **ایجاد نیروهای شبه‌نظامی محلی مانند Salwa Judum که متهم به کشتار، تجاوز، آتش‌زدن قریه‌ها و جابه‌جایی هزاران تن‌اند؛**
- **تکنولوژی پهپاد، جاسوسی سایبری و نفوذ به صفوف حزب؛**
- **تلاش برای خرید رهبران محلی و ایجاد ساختارهای بدیل دولتی در مناطق درگیری.**

با وجود سرکوب شدید، مقاومت توده‌ای در بسیاری مناطق همچنان پا برجا است.

۵ .وضعیت کنونی و چشم‌انداز

تا سال ۲۰۲۵، حزب کمونیست مائوئیست هند با وجود فشارهای شدید، نه تنها دوام آورده بلکه به‌صورت استراتژیک در حال انطباق با شرایط جدید است:

- **تمرکز بر تثبیت مناطق مرکزی مانند چتیسگر و جهارکند؛**
- **بازسازی خطوط مخفی ارتباط، آموزش و جلب نیروها در مناطق شهری (Urban cells)؛**
- **توسعه تحلیل طبقاتی در میان اقلیت‌ها، زنان و جوانان طبقات حاشیه‌ای؛**
- **همگرایی با نیروهای دموکرات و ضدامپریالیست به عنوان جبههٔ متحد**

دموکراتیک.

چنان‌که حزب در بیانیه‌های اخیر خود بیان کرده، جنگ خلق در مرحلهٔ «دفاع استراتژیک» قرار دارد، اما با امکان‌گذار به «تعادل استراتژیک» در برخی مناطق.

فصل چهارم

زنان، جوانان و اقلیت‌ها در جنگ خلق هند: سنگرهای انقلاب در دل مردم

یکی از ویژگی‌های برجستهٔ جنگ خلق در هند، سهم عظیم و تعیین‌کنندهٔ نیروهای محروم و ستمدیده در پیشبرد آن است؛ به‌ویژه زنان، جوانان و اقلیت‌های قومی و مذهبی که به‌صورت تاریخی قربانیان نظام طبقاتی و مردسالارانه در جامعه هند بوده‌اند. این فصل به تحلیل جایگاه سیاسی-اجتماعی این نیروها در جنبش مائوئیستی و تأثیر متقابل آنان بر انقلاب می‌پردازد.

۱ .نقش زنان: انقلاب علیه مردسالاری و سرمایه‌سالاری

در مناطق تحت رهبری حزب کمونیست مائوئیست، زنان نه‌تنها بخش قابل توجهی از بدنهٔ ارتش چریکی را تشکیل می‌دهند، بلکه در سطح سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز به پیشگامان واقعی انقلاب بدل شده‌اند.

- در ارتش چریکی:(PLGA)

بیش از ۳۰ *تا* ۴۵ *درصد* از اعضای فعال را زنان تشکیل می‌دهند؛ در برخی مناطق جنوبی و شرقی این نسبت حتی از ٪۵۰ فراتر می‌رود.

زنان در سطوح فرماندهی و تاکتیکی حضور دارند و عملیات نظامی را رهبری می‌کنند.

- **در ساختارهای خلقی:**

شوراهای خلق، دادگاه‌های انقلابی، و کمیته‌های زنان Krantikari Mahila) (Sangathanپلتفرم‌هایی هستند که زنان از آن‌جا توانسته‌اند ازدواج اجباری، خشونت خانگی، مهریه، چندهمسری و سنن ضدزن را به چالش بکشند.

- **آزادی حقیقی:**

زنان در این مبارزه نه‌تنها به ابزار نظامی، بلکه به ابزار ایدئولوژیک و اجتماعی نیز مسلح شده‌اند. آنان برای نخستین‌بار در تاریخ بسیاری از مناطق آدیواسی و روستایی هند، *نه صرفاً به‌مثابه قربانی، بلکه به‌مثابه سازندگان قدرت نوین خلق* ظاهر شده‌اند.

۲ .جوانان: از بیکاری به سنگر آگاهی

هند کشوری جوان است. بیش از ۶۵٪ جمعیت آن زیر ۳۵ سال عمر دارند. در میان جوانان روستایی، دانشجویی، و بیکار، شرایط طغیان‌زا به‌شدت گسترده است.

- **جوانان آدیواسی و دهقانان بی‌زمین، که آینده‌ای جز بیکاری، سوءتغذیه و خشونت دولتی ندارند، جذب مبارزه چریکی می‌شوند.**
- **در شهرها، حزب با تأسیس حلقه‌های مخفی، نشریات، و سازمان‌های جبهه‌ای (front organizations)سعی در آگاهی‌بخشی به جوانان دانشجو دارد.**
- **ادبیات انقلابی، تئاتر خیابانی، موسیقی مبارزاتی و ترانه‌های خلقی، ابزارهای فرهنگی‌ای‌اند که توسط جوانان برای بیان خشم و امید خود استفاده می‌شود.**

۳ .اقلیت‌های قومی، دینی و زبانی: انقلاب علیه تبعیض ساختاری

در ساختار طبقاتی-قومی هند، اقلیت‌ها همواره در معرض تبعیض چندلایه بوده‌اند:

- **آدیواسی‌ها (قبایل بومی (در معرض تخریب جنگل‌ها، جابه‌جایی اجباری و نابودی فرهنگی قرار دارند. جنبش مائوئیستی به صدای آنان تبدیل شده و سلاح را به دفاع از *حق بر زمین، جنگل و آب* پیوند زده است.**
- **دالیت‌ها (نجس‌شمرده‌شده‌ها(، که توسط نظام کاستی له شده‌اند، اکنون در صفوف ارتش خلقی علیه ساختار کاستی مبارزه می‌کنند؛**
- **مسلمانان هند که پس از سرکار آمدن دولت ناسیونالیست هندویی (BJP) بیش از پیش مورد هدف خشونت، فقر و محرومیت قرار گرفته‌اند، به‌ویژه در شهرها، به بخشی از بدنهٔ سازمان‌های جبهه‌ای حزب بدل شده‌اند.**

حزب کمونیست مائوئیست هند، بر مبنای اصول مارکسیستی-لنینیستی، در پی ایجاد وحدت طبقاتی میان اقلیت‌هاست، بدون انکار هویت فرهنگی‌شان.

۴ .تأثیرات متقابل: چگونه این نیروها چهره انقلاب را دگرگون کرده‌اند؟

- **پیشروی تئوریک و عملی زنان، جنگ خلق را از یک جنبش صرفاً طبقاتی به جنبش اجتماعی-طبقاتی سراسری بدل کرده است.**
- **جوانان، با انرژی و نوآوری، زبان و فرهنگ انقلاب را زنده نگه‌داشته‌اند.**
- **اقلیت‌ها، با آوردن مسأله‌های خاص خود، به جنبش وجهه ضدتبعیض ملی و فرهنگی داده‌اند.**

در مجموع، انقلاب در هند نه فقط انقلابی علیه سرمایه‌داری، بلکه علیه مردسالاری، کاست، تبعیض قومی و مذهبی نیز هست؛ و این همان ماهیت چندبعدی و دموکراتیک انقلاب نوین است که در قلب جنگ خلق جریان دارد.

فصل پنجم

دشمنان درون: چپ‌روی، راست‌روی و انحرافات در مسیر جنگ خلق

انقلاب هیچ‌گاه در خلأ صورت نمی‌گیرد. هر جنبش رادیکالی در بطن خود، درگیر تناقضات درونی و فشارهای بیرونی است. حزب کمونیست مائوئیست هند نیز از این قاعده مستثنی نیست. در این فصل، ما به‌گونه‌ای ژرف به مشکلات درونی، انحرافات، خطر نفوذ دشمن، و ضرورت مبارزه‌ی ایدئولوژیک درونی خواهیم پرداخت.

۱ .چپ‌روی و رمانتیسم چریکی

در سال‌های نخستین ادغام حزب (۲۰۰۴) و گسترش سریع عملیات‌ها، در برخی مناطق تمایلات چپ‌روانه و مطلق‌گرایانه بروز یافت:

- نفی تاکتیک‌های جبهه‌ای و کار علنی در شهرها، با این استدلال که عرصهٔ چریکی خالص است؛
- نادیده‌گرفتن تفاوت میان دشمن اصلی (بورژوازی بومی و امپریالیسم (با نیروهای واسط؛
- گرایش به اعمال خشونت بی‌هدف علیه عناصر غیرمسلح و یا نیروهای محلی بدون تحلیل طبقاتی مشخص؛

نتیجه‌ی این چپ‌روی، در برخی موارد، انزوای سیاسی حزب، کاهش حمایت توده‌ای، و تشدید سرکوب دولتی بود.

۲ .راست‌روی و فرصت‌طلبی در برخی شاخه‌ها

در مقابل، برخی نیروها به تدریج به سازش با نهادهای دولتی، انتخابات محلی یا تشکل‌های

ان‌جی‌اویی گرایش یافتند:

- نفوذ عناصر فرصت‌طلب که انقلاب را به «مطالبه‌گری محض» و یا «سیاست هویتی» تقلیل دادند؛
- کاهش تاکید بر مبارزهٔ مسلحانه و تضعیف ساختارهای ارتش خلقی در برخی مناطق مرکزی؛
- تلاش‌هایی برای نزدیکی با احزاب چپ سنتی پارلمان‌گرا مانند(CPI(M ، که منجر به تضعیف خط مستقل مائوئیستی شد.

این انحرافات راست‌گرایانه در واقع دروازه‌هایی برای نفوذ و انحلال ایدئولوژیک درون جنبش گشودند.

۳ .نفوذ دشمن: تکنولوژی، پلیس، و جنگ اطلاعاتی

دولت هند، با کمک ایالات متحده و اسرائیل، از سال ۲۰۱۰ بدین‌سو، جنگی پیچیده‌ی اطلاعاتی، سایبری و نفوذی را علیه حزب سازمان‌دهی کرده است:

- نفوذ مأموران اطلاعاتی در صفوف سازمان‌های جبهه‌ای، سازمان‌های زنان، و حتی حلقات تئوریک؛
- استفاده از تکنولوژی پیشرفته (پهپاد، نرم‌افزارهای جاسوسی، شنود) برای ردیابی فرماندهان؛
- دستگیری یا ترور هدفمند رهبران ایدئولوژیک و نظامی حزب با کمک اطلاعات درونی؛
- پخش شایعات و روایت‌های انحرافی برای بی‌اعتبارسازی حزب در میان توده‌ها.

این مسئله ضرورت پالایش ایدئولوژیک مداوم، آموزش ضدجاسوسی، و تقویت اصول مخفی‌کاری مائوئیستی را حیاتی می‌سازد.

۴ .عقب‌ماندگی در سطح تئوریک

یکی از تهدیدات واقعی برای هر حزب انقلابی، جمود تئوریک و ناتوانی در انطباق دیالکتیکی با شرایط نوین است:

- **در برخی موارد، به جای تحلیل مشخص از شرایط مشخص، کلیشه‌های گذشته بدون نقد تکرار می‌شود؛**
- **تأخیر در ارائه خط مشی روشن برای شهرها، جنبش کارگری و دانشجویی، و ارتباط با انقلاب جهانی؛**
- **گرایش به تجرید از مسائل زنان، کاست، و اقلیت‌ها در برخی سطوح، علی‌رغم پیشرفت‌های عملی؛**

این ضعف‌ها می‌تواند به تدریج انرژی انقلابی جنبش را کاهش داده و افق آن را تار کند.

۵ .مبارزه ایدئولوژیک: ضرورت اصلاح، نه سازش

رهبران برجسته‌ای چون کومرید گانپتی و پس از او، کومرید باسو بارها بر ضرورت مبارزه‌ی مداوم ایدئولوژیک تأکید کرده‌اند:

- **تصفیه چپ‌روی و راست‌روی از طریق *نقد و خودنقد اصولی*؛**
- **آموزش عمیق کادرها در زمینه مارکسیزم-لنینیزم-اندیشه مائو تسه دون؛**
- **حفظ خط انقلابی مستقل در برابر وسوسه‌های همکاری پارلمانی و آن‌جی‌اویی؛**
- **پیوند زنده با توده‌ها به عنوان ضامن سلامت سیاسی-ایدئولوژیک حزب.**

نتیجه‌گیری

دشمنان درونی، اگر شناسایی و مهار نشوند، می‌توانند خطرناک‌تر از دشمنان بیرونی باشند. چپ‌روی کور، راست‌روی فرصت‌طلبانه، نفوذ دشمن، و سستی ایدئولوژیک، همگی موانعی‌اند که تنها از طریق خط مستحکم، روحیه خودنقدی، و پیوند تنگاتنگ با توده‌ها می‌توان بر آن‌ها غلبه کرد.

جنگ خلق تنها در میدان نبرد نظامی پیروز نمی‌شود؛ پیروزی آن در گرو نبرد بی‌وقفه‌ی

ایدئولوژیک و خطی است.

فصل ششم

حزب کمونیست مائوئیست هند و انترناسیونالیسم پرولتری:

از همبستگی جهانی تا نقش پیشاهنگ در جنبش کمونیستی نوین

در جهانی که امپریالیسم در اشکال پیچیده و درهم‌تنیده‌ی سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی خودنمایی می‌کند، هیچ انقلاب واقعی در انزوا نمی‌تواند ببالد. انقلاب دموکراتیک نوین در هند نیز، بخشی از موج جهانی مبارزه طبقاتی است. در این فصل، جایگاه حزب کمونیست مائوئیست هند ((CPI(Maoist)) را در جنبش جهانی پرولتری، مواضع انترناسیونالیستی آن، و نقش آن در فرایند تجدید بنای بین‌الملل کمونیستی بررسی می‌کنیم.

۱ .منشور انترناسیونالیستی حزب:

از تئوری تا پراتیک

از زمان ادغام در سال ۲۰۰۴، حزب کمونیست مائوئیست هند، همواره بر این اصول تاکید کرده است:

- انقلاب در هر کشور بخشی از انقلاب جهانی پرولتری است؛
- پیروزی نهایی تنها از طریق نابودی نظام امپریالیستی در سطح جهانی ممکن است؛
- حمایت فعال از مبارزات عادلانهٔ خلق‌ها و نیروهای انقلابی در سراسر جهان، وظیفه‌ای اصولی است.

در اسناد حزبی و بیانیه‌ها، شاهد حضور روشن این دیدگاه هستیم. برای نمونه، در" *بیانیه مشترک با حزب کمونیست فلیپین، حزب کمونیست ترکیه/م ل، حزب انقلابی خلق کلمبیا و دیگران* " بر ضرورت تقویت انقلاب جهانی تاکید شده است.

۲ .روابط و همکاری با احزاب مائوئیست در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین

حزب کمونیست مائوئیست هند، همواره کوشیده است:

- با احزاب و جنبش‌های مائوئیست در نپال، بنگلادیش، فیلیپین، ترکیه، ایران، افغانستان، پرو، و کلمبیا همکاری نظری و عملی داشته باشد؛
- در نشست‌های بین‌المللی انقلابیون مائوئیست ICM/ICOR/ILPS) و دیگر پلاتفرم‌ها (شرکت کند؛
- بیانیه‌های مشترک علیه جنگ‌های امپریالیستی، فاشیزم، نژادپرستی و سرکوب خلق‌ها منتشر نماید.

به‌ویژه، حمایت مکرر این حزب از انقلاب دموکراتیک نوین فیلیپین و محکوم‌کردن سرکوب نیروهای انقلابی در کردستان و ترکیه از نمونه‌های روشن پراتیک انترناسیونالیستی است.

۳ .موضع در برابر امپریالیسم جهانی: آمریکا، چین و روسیه

حزب کمونیست مائوئیست هند، بر این باور است که:

- ایالات متحده آمریکا دشمن شماره‌یک مردم جهان است و مرکز شبکهٔ امپریالیسم جهانی؛
- چین یک قدرت سرمایه‌داری-امپریالیستی نوین است که در تضاد با منافع خلق‌های جهان قرار دارد؛
- روسیه یک قدرت امپریالیستی ثانوی و ارتجاعی است، و نباید آن را بدیل یا نیروی مترقی قلمداد کرد؛

از همین رو، حزب نه تنها با جنگ‌افروزی ناتو، بلکه با جنگ‌طلبی روسیه در اوکراین یا توسعه‌طلبی چین در آسیا نیز مخالفت دارد و استقلال سیاسی و خط طبقاتی مستقل را

حفظ می‌کند.

۴ .مشارکت نظری در تجدید بنای انترناسیونال کمونیستی

یکی از مهم‌ترین نقش‌های این حزب، مشارکت در تلاش‌های جهانی برای:

- بازسازی بین‌الملل کمونیستی با خط مائوئیستی) نه تکرار تجربیات گذشته بلکه بازنگری خلاقانه در آن‌ها)؛
- مبارزه با رویزیونیزم نئوتروتسکیستی، ناسیونالیسم چپ‌نما، و انحرافات پست‌مدرن در جنبش جهانی چپ؛
- تدوین دیدگاه‌هایی دربارهٔ شرایط نوین جنگ خلق، سازماندهی طبقه کارگر در جوامع نیمه‌صنعتی، و مسئله ملیت‌ها؛

حزب هند، در بسیاری از مباحثه‌های تئوریک حول *خط عمومی انقلاب جهانی پرولتری* مشارکت کرده است و به عنوان یکی از احزاب تاثیرگذار بر نسل جدید انقلابیون در سطح بین‌الملل شناخته می‌شود.

۵ .ارزیابی از جایگاه حزب در جنبش جهانی

در شرایط کنونی، حزب کمونیست مائوئیست هند:

- یکی از پراتیکی‌ترین تجارب زنده جنگ خلق را داراست؛
- دارای رهبری تئوریک، خط مستحکم، و پیوند فعال با توده‌های دهقانی در سطح میلیونی است؛
- الهام‌بخش جوانان و انقلابیون در کشورهای مختلف، از برزیل تا ایران، از نپال تا ترکیه است؛
- اما در عین حال، با خطرات عظیمی چون محاصره نظامی، نفوذ اطلاعاتی، و قطع ارتباطات جهانی روبرو است.

در چنین وضعیتی، حمایت بین‌المللی از این انقلاب زنده، وظیفه تمام نیروهای انقلابی

جهان است.

نتیجه‌گیری

حزب کمونیست مائوئیست هند نه‌تنها در میدان جنگل‌ها و دهات هند می‌رزمد، بلکه در قلب جنگ طبقاتی جهانی نیز، نقش یک ستون زنده و مقاوم را ایفا می‌کند. اگر انقلاب هند شعله‌ور شود، می‌تواند به نیرویی دگرگون‌کننده در آسیا و جهان بدل گردد.

از همین‌روست که دفاع از این انقلاب، دفاع از انقلاب جهانی پرولتری است. دشمنانش، دشمنان تمام مردم تحت ستم‌اند. و پیروزی‌اش، پیروزی ماست.

فصل هفتم

چشم‌انداز انقلاب در هند: تضادهای عمده، گزینه‌های استراتژیک، و آیندهٔ جنگ خلق

هیچ انقلابی در خلا شکل نمی‌گیرد و هیچ روند انقلابی بدون گذر از تلاطم‌های داخلی و جهانی به پیروزی نمی‌رسد. روند انقلاب دموکراتیک نوین در هند، که امروز در قالب جنگ خلق در جریان است، با تناقضات گوناگون، فرصت‌ها و تهدیدهای جدی روبروست. در این فصل، به تحلیل عناصر تعیین‌کننده در آیندهٔ این انقلاب می‌پردازیم.

۱ .تشدید تضادهای طبقاتی و قومی در هند

هند امروز، علی‌رغم رشد آماری اقتصادی، جامعه‌ای به‌شدت متضاد است:

- ثروت ۱٪ بالایی جمعیت معادل ۷۷٪ کل ثروت کشور است؛
- فقر ساختاری هنوز بیش از ۲۶۰ میلیون نفر را درگیر کرده است؛
- اقلیت‌های مذهبی (مسلمانان، مسیحیان، سیک‌ها) و قومی (آدیواسی‌ها،

دالیت‌ها) هدف مستقیم فاشیزم هندو قرار دارند؛
- سیاست اقتصادی نئولیبرالی، دهقانان را به پرتگاه نابودی کشانده است (بیش از ۴۰۰ هزار خودکشی کشاورزان در دو دهه اخیر.)

این تضادها، زمینهٔ اجتماعی جنگ خلق را تقویت می‌کنند؛ اما در عین حال، امکان انفجارهای ناهماهنگ و کنترل‌نشده را نیز دربر دارند.

۲ .فاشیزم هندی و استراتژی دولت علیه انقلاب

رژیم نارندرا مودی و حزب بهاراتیا جاناتا (BJP) با پروژه‌ای هدفمند به‌دنبال:

- هندوییزه‌کردن ساختار دولت و آموزش؛
- نابودی فزایندهٔ نهادهای دموکراتیک؛
- سرکوب سازمان‌های دانشجویی، اتحادیه‌ها، فعالین حقوق بشری و نیروهای انقلابی؛
- اجرای پروژه‌های سرمایه‌داری وابسته در مناطق قبیله‌ای و جنگلی؛

برنامه‌های «عملیات شکار سبز»، که با کمک نیروهای مسلح و شبه‌نظامی طراحی شده‌اند، تاکنون هزاران نفر را کشته، آواره و زندانی کرده‌اند. اما این سرکوب، نتوانسته پایه‌های جنگ خلق را از بین ببرد.

۳ .فرصت‌های تاریخی برای گسترش انقلاب

در برابر تهدیدات، فرصت‌هایی نیز برای گسترش انقلاب وجود دارد:

- بحران در درون طبقه حاکم و شکاف‌های بین نهادهای دولت؛
- گسترش بی‌سابقه نارضایتی در میان اقشار دانشجو، معلم، دهقان، کارگر مهاجر و زنان؛
- تمایل جوانان به تشکل‌یابی مستقل، به‌ویژه در مناطق دور از دسترس؛
- پیوندهای فزاینده بین فعالان ضدکاست، ضدسرمایه‌داری و حامیان محیط‌زیست با

جبههٔ انقلابی؛

در صورت برخورد صحیح، این روندها می‌توانند به توسعهٔ پایگاه توده‌ای حزب کمک نمایند.

۴ .چالش‌های درونی جنبش انقلابی

اما انقلاب هند با چالش‌های مهمی نیز از درون روبروست:

- نارسایی در کار میان‌طبقه‌ای :گاه پیوند بین طبقه کارگر شهری و دهقانان کم‌رنگ می‌ماند؛
- ضعف در کار تبلیغاتی ملی و بین‌المللی :هنوز مبارزه در مناطق جنگلی در سطح جهان ناشناخته باقی مانده است؛
- خطر سکتاریسم یا تجرید از بدنهٔ خلق :اگر انقلاب نتواند خود را به مسائل روز طبقه کارگر و نسل جوان پیوند زند، در انزوا فرو می‌رود؛
- فقدان پیوند پایدار با نیروهای انقلابی در سایر کشورها :هماهنگی بین‌المللی محدود و گاه شعاری باقی مانده است.

عبور از این چالش‌ها نیازمند اصلاحات خطی، گسترش پراتیک سازمانی، و تعمیق رهبری ایدئولوژیک است.

۵ .سناریوهای ممکن در دههٔ آینده

با توجه به عناصر بالا، آیندهٔ انقلاب هند را می‌توان در چند سناریوی ممکن ترسیم کرد:

الف. گسترش تدریجی انقلاب و گذار به مرحلهٔ محاصرهٔ شهرها:

در این مسیر، جنبش با پیوند عمیق‌تر با طبقه کارگر، می‌تواند توازن قوا را در مناطق مرکزی تغییر دهد.

ب. مهار و تضعیف تدریجی انقلاب توسط ارتش و نهادهای اطلاعاتی:

اگر نتواند از محاصره اطلاعاتی-نظامی دشمن عبور کند، خطر تجزیه و فروپاشی بروز می‌کند.

ج. گسترش شورش‌های توده‌ای شهری که با خط انقلابی همگرا می‌شوند: اگر جنبش بتواند به خیزش‌های شهری راه پیدا کند، ممکن است جهشی سریع در مسیر استراتژیک رخ دهد.

د. انزوای تئوریک و خطی، که موجب سکتاریسم و افت نیرو می‌شود:

در صورت بسته‌ماندن افق فکری، خطر بوروکراتیسم انقلابی و ایستایی جدی است.

۶ .درس‌ها برای سایر جنبش‌های انقلابی

تجربهٔ انقلاب هند، نشان می‌دهد که:

- جنگ خلق ممکن و زنده است، حتی در یک کشور با ساختار پیچیده و سرمایه‌داری پیشرفته؛
- پیوند استراتژیک با توده‌ها، شرط پیروزی است؛
- انترناسیونالیسم عملی، نیاز جنبش‌های زنده است؛
- ترکیب رهبری تئوریک، پراکتیک خلاقانه و خط ایدئولوژیک صریح، رمز پایداری است.

نتیجه‌گیری

انقلاب دموکراتیک نوین در هند در دوراهی‌ای تاریخی قرار دارد. یا می‌تواند به نقطهٔ عطفی برای انقلاب جهانی بدل گردد، یا با شکست آن، نیروهای ارتجاعی جری‌تر خواهند شد. آینده، وابسته به درایت استراتژیک، پیوند عمیق‌تر با توده‌ها، و ایجاد جبههٔ انقلابی متحد در مقیاس ملی و بین‌المللی است.

فصل هشتم

وظایف نیروهای ملی، مترقی و انقلابی در قبال انقلاب هند

جنبش انقلابی هند، خاصتاً جنگ خلق تحت رهبری حزب کمونیست مائوئیست، نه‌تنها یک نبرد داخلی علیه دولت فاشیستی هندو و ساختارهای ارتجاعی هند است، بلکه بخشی از جبههٔ جهانی مبارزهٔ ضد امپریالیستی و ضد سرمایه‌داری به‌شمار می‌رود. از همین‌رو، همهٔ نیروهای ملی، مترقی و انقلابی در کشورهای منطقه و سراسر جهان، وظیفه دارند تا با این روند پیوند برقرار کرده و از آن حمایت کنند.

۱ .شناخت انقلاب هند به‌عنوان بخشی از جبههٔ جهانی خلق‌ها

در عصر جهانی‌سازی سرمایه‌داری، مرز میان مبارزات خلق‌ها ناپیداتر از هر زمان دیگر است. انقلاب هند از همان جنسی است که جنبش‌های زحمتکشان فلسطین، فیلیپین، کوردستان، آمریکای لاتین و افریقا می‌جوشند. این انقلاب، نه صرفاً واکنشی به فقر و نابرابری داخلی، بلکه تلاشی برای نابودی سلطهٔ نظم امپریالیستی جهانی است.

۲ .وظیفهٔ افشاگری و شکستن سانسور

رسانه‌های جهانی سرمایه‌داری، آگاهانه انقلاب هند را سانسور کرده‌اند. ده‌ها هزار فداکاری خلق هند، رهبران شهید، مناطق آزادشده، شوراهای خودمدیریت خلق و مقاومت‌های عظیم در برابر پروژه‌های استعماری داخلی – همه در تاریکی خبری فرو رفته‌اند. نیروهای مترقی و انقلابی وظیفه دارند:

- از طریق نشریات، وب‌سایت‌ها، رسانه‌های اجتماعی و تریبون‌های مبارزاتی، واقعیت انقلاب هند را برملا سازند؛
- چهرهٔ جنایتکار دولت هند و حمایت امپریالیست‌ها از آن را افشا کنند؛
- از تجربیات مقاومت هند برای آگاهی‌بخشی به توده‌ها در کشورهای خود استفاده

کنند.

۳ .ایجاد همبستگی فعال و پراتیک

همبستگی تنها با بیانیه و شعار تحقق نمی‌یابد. وظایف عملی شامل:

- راه‌اندازی کمپاین‌های بین‌المللی در حمایت از زندانیان سیاسی و رهبران حزب؛
- ارتباط‌گیری میان سازمان‌ها، جبهه‌ها و جنبش‌های همسو با انقلاب هند؛
- تحریم پروژه‌های سرمایه‌گذاری دولت هند در کشورهای دیگر؛
- ترجمه، نشر و ترویج متون تحلیلی و اسناد حزب در زبان‌های محلی؛
- ارسال کمک‌های معنوی، تخنیکی، رسانه‌ای و حتی نیروی داوطلب در صورت نیاز.

۴ .درس‌گیری برای مبارزات داخلی کشورهای مختلف

جنبش هند، یک مکتب زنده است. برای نیروهای مترقی، این جنبش می‌تواند:

- تجربه‌ای عملی از جنگ طولانی‌مدت خلقی در شرایط امروزی باشد؛
- نمونه‌ای از سازماندهی توده‌ای در برابر فاشیزم و ارتش؛
- الگویی برای وحدت تئوری و پراتیک در کار سازمانی و ایدئولوژیک؛
- منبعی برای بازاندیشی در باب رابطهٔ حزب، جبهه، و ارتش انقلابی؛

به‌ویژه برای نیروهای مبارز در جنوب آسیا، خاورمیانه و آفریقا، درس‌های انقلاب هند حیاتی‌اند.

۵ .نقش تاریخی مهاجرین و دانشجویان

هزاران تن از کارگران مهاجر، دانشجویان و روشنفکران هندی و غیربومی در کشورهای مختلف زندگی می‌کنند. این قشر می‌تواند به حلقه‌ای اساسی در گسترش انقلاب بدل شود. نیروهای مترقی باید:

- در میان مهاجرین هندی، روشنگری طبقاتی انجام دهند؛
- حلقات حمایت از جنگ خلق را تشکیل دهند؛
- دانشجویان مترقی هندی را با سازمان‌ها و جنبش‌های انقلابی کشورهای محل سکونت‌شان پیوند دهند؛

بدین‌سان، انقلاب هند بُعد بین‌المللی خود را از طریق پراکسیس تقویت خواهد کرد.

۶ .افق انترناسیونالیسم نوین

انقلاب هند می‌تواند بستر تولد نوعی انترناسیونالیسم نوین باشد – انترناسیونالیسمی که دیگر صرفاً در بیانیه‌ها و تجلیل‌ها محصور نماند، بلکه از طریق مبارزهٔ واقعی خلق‌ها در کشورهای مختلف، یکدیگر را تقویت کند. وظیفهٔ نیروهای انقلابی آن است که:

- خود را بخشی از یک جبهه جهانی واحد بدانند؛
- در برابر هر حمله به انقلاب هند، به‌گونه‌ای برخورد کنند که گویی به جنبش خودشان حمله شده است؛
- شکست یا پیروزی این انقلاب را بر سرنوشت خود مؤثر بشمارند.

نتیجه‌گیری

امروز انقلاب هند همچون آتشی است در دل تاریکی – اگر این آتش خاموش شود، امید بسیاری از خلق‌ها خاموش خواهد شد؛ اگر شعله گیرد، مسیر بسیاری از مبارزات روشن خواهد گشت. بر ماست که نگذاریم این آتش تنها بماند. همبستگی با انقلاب هند، همبستگی با آیندهٔ انسانیت است.

فصل نهم

زن، انقلاب و جنگ خلق در هند

در میان هر جنبش انقلابی راستین، زنان نه‌تنها نیروی حامی بلکه نیروی محرک و پیش‌برنده بوده‌اند. در هند نیز، انقلاب خلقی تحت رهبری حزب کمونیست مائوئیست یکی از معدود نمونه‌های تاریخ معاصر است که در آن زنان نه فقط در حاشیه، بلکه در متن، در خط مقدم نبرد، در فرماندهی، سازماندهی و هدایت انقلاب قرار دارند. این یک انقلاب مردانه نیست که از زنان بهره‌کشی کند؛ بلکه انقلابی است که در خود، رهایی زن را به‌عنوان بخشی لاینفک از رهایی بشری درک کرده است.

۱ .زنان در صفوف حزب و ارتش خلق

بر اساس آمارهای منتشرشده توسط منابع دولتی هند و نهادهای حقوق بشری مستقل، در برخی واحدهای "ارتش خلق نوین"، سهم زنان به بیش از ٪۴۰ می‌رسد. هزاران زن در مناطق انقلابی، نه تنها سلاح به‌دست گرفته‌اند، بلکه در مقام فرمانده، مربی نظامی، کمیسار سیاسی، و کادرهای حزبی ایفای نقش می‌کنند.

در بسیاری از مناطق قبیله‌ای، زنان پیش‌تر هیچ‌گونه حقوق سیاسی و اجتماعی نداشتند. انقلاب به آن‌ها زمین، سلاح، عزت و آگاهی داده است. زنان جوان، دختران دهقانی، بیوه‌ها، مادران شهدا – همه بخشی از ماشین انقلاب‌اند.

۲ .اتحادیهٔ انقلابی زنان: بستر آگاهی و مبارزه

"کریسانگاتا ماهیلا سنگاتهانا" یا سازمان دموکراتیک انقلابی زنان در مناطق تحت نفوذ حزب، نقشی کلیدی دارد. این اتحادیه به‌عنوان بازوی سازمانی زنان، در عرصه‌های زیر فعالیت می‌کند:

- آگاهی‌بخشی سیاسی–طبقاتی به زنان روستاها؛
- مبارزه با رسم‌های عقب‌مانده همچون کودک‌همسری، جهیزیه، خشونت خانگی؛
- ارتقای مشارکت زنان در شوراهای انقلابی و اقتصاد جمعی؛
- سازماندهی زنان برای مشارکت در جنگ مسلحانه؛
- پیشبرد مبارزه علیه تجاوز، خشونت جنسی و سرکوب دولتی؛

این اتحادیه، برخلاف انجمن‌های بورژوایی زنان، فقط مدافع «حقوق» نیست، بلکه در پی تغییر ساختار قدرت است.

۳ .رابطهٔ میان انقلاب و رهایی زنان

در مناطق آزادشده – جایی که دولت هند دیگر کنترل ندارد – زنان شاهد دگرگونی‌هایی اساسی بوده‌اند. مواردی از تغییر عبارت‌اند از:

- **لغو سیستم مردسالاری در شوراهای محلی؛**
- **دسترسی مساوی زنان به منابع اقتصادی و ابزار تولید؛**
- **مشارکت کامل زنان در تصمیم‌گیری‌های جمعی؛**
- **ارتقای آگاهی و مبارزه با مناسبات سنتی فئودالی و خرافات مذهبی؛**

این تحولات، نه از بالا، بلکه از درون مبارزهٔ توده‌ای شکل گرفته‌اند.

۴ .زنان، هدف خاص سرکوب دولتی

حضور فعال زنان در انقلاب باعث شده که نیروهای سرکوب‌گر دولتی (ارتش، پولیس، واحدهای شبه‌نظامی) زنان را به‌طور خاص هدف بگیرند. صدها مورد تجاوز، قتل، زندان و شکنجه علیه زنان در مناطق انقلابی گزارش شده است. دولت هند، زنان انقلابی را «خطرناک‌تر از مردان» می‌داند، چرا که آگاهی سیاسی همراه با ستم مضاعف، به آنان انگیزهٔ مبارزهٔ بی‌امان می‌دهد.

۵ .درسی برای انقلاب‌های آینده

تجربهٔ انقلاب هند نشان داد که زنان، اگر آگاه شوند، سازمان یابند و قدرت بگیرند، نه‌تنها خود را نجات می‌دهند، بلکه جامعه را نیز دگرگون می‌سازند. این تجربه یک پیام روشن

دارد:

رهایی زن بدون انقلاب ممکن نیست؛ و انقلاب بدون مشارکت فعال و آگاهانهٔ زنان پیروز نخواهد شد.

در این‌جا، زن دیگر قربانی نیست، نماد شجاعت است؛ نه اسیر حجاب و خشونت، بلکه پرچمدار شورش و آگاهی.

نتیجه‌گیری

زنان در انقلاب هند صرفاً «نیمی از آسمان» را بلند نکرده‌اند، بلکه زمین را به لرزه درآورده‌اند. آن‌ها نه پشت سر مردان، بلکه شانه‌به‌شانه یا پیش‌تر از آنان ایستاده‌اند. این تجربه، نه تنها برای جنبش زنان، بلکه برای همهٔ نیروهای مترقی در جهان، الهام‌بخش است.

فصل دهم

انقلاب هند و پژواک آن در منطقه و جهان

مبارزهٔ انقلابی در هند، با وجود سکوت خبری رسانه‌های بین‌المللی و سانسور دولتی، به یکی از الهام‌بخش‌ترین نمونه‌های مقاومت مسلحانه توده‌ای علیه سرمایه‌داری بومی و امپریالیسم جهانی بدل شده است. پژواک این انقلاب نه تنها در داخل کشور، بلکه در میان جنبش‌های مترقی، انقلابی و ضد امپریالیستی آسیا، اروپا و امریکا بازتاب یافته است.

۱ .تأثیر منطقه‌ای: نپال، فیلیپین، ترکیه،

الف. نپال:

جنبش مائوئیستی نپال در دههٔ ۹۰ میلادی به‌شدت متأثر از تجربهٔ جنگ خلق در هند بود.

هرچند مائوئیست‌های نپال پس از ده سال جنگ مسلحانه وارد روند صلح و پارلمان‌گرایی شدند، بخش‌های انقلابی این حزب (همچون جناح بابورام و جناح‌های منشعب‌شدهٔ رادیکال) هنوز ارتباطات فکری و گاه عملی با حزب کمونیست هند دارند.

ب. فیلیپین:

در فیلیپین، حزب کمونیست این کشور و ارتش نوین خلق، به‌طور مستقیم هم‌موضع با انقلاب هنداند. هر دو حزب، عضو کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مائوئیستی (ICSPWI)بوده‌اند و از نظر خط مشی، تئوری، و تحلیل از انقلاب پرولتری، هم‌گرایی روشنی دارند.

ج. ترکیه:

در ترکیه، سازمان‌های مائوئیستی نظیرTKP/ML ، جنگ خلق در هند را نمونهٔ موفقی از کاربرد استراتیژی جنگ طولانی خلق در کشورهای نیمه‌فئودال-نیمه‌استعماری می‌دانند و از آن در آموزش کادرها و تحلیل‌های نظامی بهره می‌گیرند.

۲ .سازماندهی بین‌المللی: کنفرانس‌ها و اتحادها

حزب کمونیست مائوئیست هند یکی از اعضای مؤسس «کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مائوئیستی (ICSPWI) «بوده است. این تشکل، با هدف احیای خط مارکسیستی-لنینیستی-مائوئیستی در سطح جهان، به انتشار بیانیه‌های مشترک، تبادل تجربیات جنگ انقلابی، و تحلیل اوضاع جهانی می‌پردازد.

بیانیه‌های مشترک با احزاب مائوئیست در فیلیپین، ایتالیا، امریکا، آلمان، تونس، پرو، و بنگلادش، افغانستان ، .... نشان از نوعی جبهه‌بندی ایدئولوژیک جهانی دارد.

۳ .الهام برای مقاومت در سطح جهانی

در دورهٔ نئولیبرالیسم افسارگسیخته، که جنبش‌های چپ در اروپا و امریکا دچار پراکندگی و بی‌هویتی سیاسی شده‌اند، وجود حزبی که هم استراتیژی نظامی دارد، هم تئوری انقلابی

زنده، و هم پیوند تنگاتنگ با دهقانان و زحمتکشان، امیدی برای بازسازی خط انقلابی در سطح جهانی فراهم کرده است.

جنبش‌های ضد استعماری، ضد سرمایه‌داری، و انقلابی از امریکای لاتین تا آفریقا و خاورمیانه، به‌گونه‌ای روزافزون به تجربهٔ حزب کمونیست مائوئیست هند به‌عنوان یک نمونهٔ زنده نگاه می‌کنند.

۴ .دشمنی امپریالیستی جهانی با انقلاب هند

ایالات متحده، بریتانیا، و اسرائیل، به‌گونهٔ فزاینده‌ای در سرکوب داخلی هند مداخله می‌کنند. اسناد افشاشده نشان می‌دهند که شرکت‌های امنیتی خصوصی غربی در آموزش ضدشورش نیروهای هندی علیه چریک‌ها نقش دارند. همچنین «مبارزه با نکسالیسم» در گفتمان امنیتی آمریکا و ناتو به‌عنوان «تهدید داخلی» گنجانده شده است. این نشان‌دهندهٔ ترس طبقهٔ حاکمهٔ جهانی از الگویی است که می‌تواند گسترش یابد.

۵ .چشم‌انداز انترناسیونالیسم انقلابی

انقلاب هند نشان داد که انترناسیونالیسم تنها یک شعار نیست، بلکه ضرورتی استراتیژیک است. تجربهٔ جنگ خلق، سازماندهی طبقاتی، بسیج دهقانان، نقش زنان، و پیوند میان ستم ملی و طبقاتی، منابع زنده‌ای هستند که به احزاب انقلابی در کشورهای دیگر نیرو و راه می‌دهند.

از این رو، انقلاب هند نه‌تنها مسئله‌ای داخلی، بلکه سنگر اول مقاومت انقلابی علیه سرمایه‌داری جهانی در قرن بیست‌ویکم است.

فصل یازدهم

انقلاب در آستانهٔ انتخاب: چالش‌ها، چشم‌انداز و مسئولیت

نسل نوین

در تاریخ هر انقلاب، لحظاتی فرا می‌رسند که مسیر آینده، دیگر نه فقط به گذشتهٔ پر افتخار، بلکه به توان و تصمیم نسل‌های بعدی وابسته می‌شود. جنبش انقلابی در هند نیز، پس از بیش از نیم قرن مبارزهٔ بی‌وقفه، اکنون در چنان مرحله‌ای ایستاده است: مرحله‌ای که می‌تواند آن را به سمت پیروزی سوق دهد یا در گرداب انحراف، فرسایش یا سرکوب دچار بحران کند. این فصل به‌گونه‌ای جمع‌بندی‌کننده و استراتیژیک، به مهم‌ترین چالش‌ها و ظرفیت‌های انقلاب در آینده می‌پردازد.

۱ .چالش‌های درونی: فرسایش، سکتاریزم و تمرکززدایی

الف. فرسایش طولانی‌مدت:

جنگ خلق طولانی است، اما جنگ بی‌پایان نیست. استمرار درگیری‌ها، تلفات، فشارهای روانی و نبود گشایش‌های سیاسی برای پیروزی، می‌تواند کادرها را دچار خستگی تاریخی کند. حفظ روحیه، تقویت امید، و ارتباط پیوسته با توده‌ها، چارهٔ این روند است.

ب. سکتاریزم ایدئولوژیک:

بخشی از خطرات درونی انقلاب، از فرو رفتن در دگماتیسم یا قطع ارتباط با واقعیت اجتماعی نشأت می‌گیرد. انقلاب، پدیده‌ای زنده است. بنابراین، بازخوانی تاکتیک‌ها و رویکردها باید بخشی از حیات درونی حزب باشد.

ج. تمرکززدایی و ناهماهنگی:

سرکوب گسترده، رهبران را در معرض خطر قرار داده و گاه بخش‌هایی از سازمان به‌گونه‌ای جزیره‌ای عمل می‌کنند. بازسازی یک فرماندهی مرکزی قوی و انعطاف‌پذیر، کلید عبور از این بحران است.

۲ .دشمن مشترک اما چندلایه: بورژوازی هند و امپریالیسم جهانی

دولت هند، با تلفیق ایدئولوژی هندو-فاشیستی، سرمایه‌داری نئولیبرال، و پیوندهای امنیتی-اطلاعاتی با امریکا، اسرائیل و اروپا، جبهه‌ای چندلایه و پیچیده تشکیل داده است. این ترکیب، یکی از پیشرفته‌ترین ماشین‌های سرکوب را پدید آورده که تنها با تکیه بر حمایت عمیق توده‌ها و ارتقای سطح سازماندهی طبقاتی می‌توان بر آن فائق آمد.

۳ .چشم‌انداز پیروزی: چه زمانی و چگونه؟

انقلاب نمی‌تواند بی‌پایان ادامه یابد. یا باید گسترش یابد، یا خواهد فرسود. دو راه عمده پیش روی انقلاب هند قرار دارد:

- راه اول: گسترش جغرافیایی و طبقاتی جنگ خلق.

پیوند قوی‌تر با کارگران صنعتی، بومی‌سازی در مناطق شهری، و بسط همبستگی دهقانان در سایر ایالت‌ها می‌تواند سطح جدیدی از جنگ طبقاتی را رقم بزند.

- راه دوم: ورود به مرحلهٔ تهاجم استراتیژیک.

اگر سطح نیروها، حمایت مردمی و هماهنگی درون‌حزبی افزایش یابد، انقلاب می‌تواند از فاز دفاع استراتیژیک وارد فاز تهاجم شود؛ نقطه‌ای که تعادل قوا به‌نفع توده‌ها تغییر می‌کند.

۴ .مسئولیت تاریخی نسل نوین

انقلاب، ملکیت نسل پیشین نیست. هر نسل باید آن را بازآفرینی کند. جوانان دهقانی، دانشجویان، روشنفکران انقلابی و کادرهای تازه‌نفس، باید تاریخ را از نو بسازند. این نسل

نوین باید:

- ارتباط زنده با توده‌ها را حفظ کند؛
- ایدئولوژی را از تجرید نجات دهد و آن را با عمل پیوند زند؛
- و ساختارهای مبارزه را در بستر فناوری و تغییرات اجتماعی روز بازسازی کند.

۵ .نتیجه‌گیری: «یا انقلاب، یا فاجعه«

انقلاب هند در بزنگاه تاریخی‌ای ایستاده است. یا به قله‌های نوینی از پیروزی خواهد رسید و به الگویی برای سایر کشورها بدل خواهد شد، یا با خطر شکست، انحراف یا انزوا مواجه می‌شود. آنچه این سرنوشت را تعیین می‌کند، نه فقط دشمن، بلکه خود نیروهای انقلابی‌اند؛ آنان که باید تصمیم بگیرند که آیا فقط تاریخ را حفظ می‌کنند، یا آن را می‌سازند.

فصل دوازدهم

جمع‌بندی نهایی: درس‌های انقلاب هند برای جهان

انقلاب هند به رهبری حزب کمونیست هند (مائوئیست) یکی از پایدارترین، عمیق‌ترین و پیچیده‌ترین تجربه‌های مبارزهٔ طبقاتی مسلحانه در عصر معاصر است. این انقلاب نه تنها در ابعاد داخلی هند، بلکه در سطح جهانی نیز تأثیرات مهمی داشته و دارد. در این فصل، به جمع‌بندی کلان از مسیر طی‌شده، ارزیابی نقاط قوت و ضعف، و درس‌هایی برای جنبش‌های انقلابی دیگر کشورها خواهیم پرداخت.

۱ .مسیر پیموده‌شده: از نکسلباری تا جنگ خلق توده‌ای

تجربهٔ انقلاب هند از شورش نکسلباری (۱۹۶۷) تا جنگ خلق سراسری کنونی، نشانگر تداوم، انعطاف و ایستادگی در برابر انواع سرکوب و انشعاب بوده است. این انقلاب برخلاف بسیاری از جنبش‌های هم‌عصر خود، توانسته است اصول اساسی مائوئیستی—

یعنی تکیه بر دهقانان، جنگ خلق، و استراتژی محاصره شهرها از روستاها—را به‌گونه‌ای زنده و پویا حفظ کند. ایجاد نواحی پایگاه، سازماندهی ارتش خلق(PLGA) ، و نهادهای خودمدیریتی توده‌ای از مهم‌ترین دستاوردهای این مرحله‌اند.

۲ .نقاط قوت اساسی

الف. پیوند عمیق با دهقانان فقیر و قبایل محروم:

ارتباط ارگانیک حزب با توده‌های ستمدیده، رمز پایداری آن بوده است. ساختارهای سیاسی، نظامی و اجتماعی حزب در بسیاری از مناطق به بخشی از زندگی روزمره مردم بدل شده‌اند.

ب. وفاداری ایدئولوژیک:

حزب کمونیست هند (مائوئیست) در زمانهٔ تهاجم ایدئولوژیک، نسبی‌گرایی، و انحرافات نئوتروتسکیستی، همچنان وفادار به مارکسیزم-لنینیزم-مائوئیزم باقی مانده و آن را نه فقط به عنوان تئوری، بلکه به عنوان راهنمای عمل به‌کار گرفته است.

ج. ساختار سازمانی پیچیده، انعطاف‌پذیر و غیرمتمرکز:

علی‌رغم ضربات امنیتی، توانسته است با روش‌های شبکه‌ای و تمرکززدایی تاکتیکی، فعالیت خود را حفظ کند.

۳ .ضعف‌ها و کاستی‌ها

الف. ضعف در پیوند با طبقهٔ کارگر شهری و اقشار متوسط:

هرچند پیوند با روستاییان قوی است، اما در جذب سازمان‌یافتهٔ کارگران صنعتی،

دانشجویان و روشنفکران پیشرو ضعف‌هایی مشاهده شده که مانع گسترش انقلاب به مناطق شهری گردیده است.

ب. محدودیت در حوزهٔ تبلیغ و روایت‌گری انقلابی:

نبرد رسانه‌ای امروز بخشی از میدان جنگ طبقاتی است. در این حوزه، حزب هنوز نتوانسته است صدای خود را در سطح ملی و بین‌المللی به‌گونه‌ای مؤثر برساند.

ج. فشار فزایندهٔ نظامی و تکنولوژیک دشمن:

افزایش استفاده از پهپادها، جاسوسی دیجیتال، و عملیات روانی توسط دولت هند و متحدانش، حزب را در معرض چالش‌های جدیدی قرار داده که نیازمند پاسخ‌های فناورانه و سیاسی تازه است.

۴ .درس‌هایی برای جنبش‌های انقلابی در جهان

الف. بدون پایگاه اجتماعی عمیق، هیچ انقلاب پایداری ممکن نیست.

حزب کمونیست هند نشان داده است که بدون ریشه در زندگی واقعی توده‌ها، هیچ ایدئولوژی‌ای —حتی اگر درست باشد— پایدار نخواهد کرد.

ب. جنگ خلق، به‌مثابهٔ یک روند تدریجی، نیازمند صبر انقلابی است. انقلاب سریع‌الوقوع نیست. در دنیای امروزی نیز، مراحل دفاع استراتیژیک می‌تواند دهه‌ها طول بکشد، اما تنها راه پیروزی، عبور آگاهانه از همین مراحل است.

ج. پیوند ایدئولوژی و واقعیت اجتماعی، رمز ماندگاری است.

ترکیب اصول مائوئیستی با واقعیت متحول هند، الگویی ارزشمند برای دیگر کشورهاست: از افغانستان و فیلیپین گرفته تا برزیل و ترکیه.

د. دشمن جهانی است، پس انقلاب نیز باید افق جهانی داشته باشد.

هر مبارزهٔ خلقی، اگر در چارچوب انترناسیونالیسم پرولتری قرار نگیرد، دیر یا زود یا منزوی می‌شود یا منحرف. انقلاب هند با حفظ ارتباط با سایر احزاب مائوئیست و شرکت در انترناسیونال انقلابی، نشان داده است که این اصل زنده است.

نتیجه‌گیری پایانی: ادامهٔ راه از دل آتش

انقلاب هند هنوز به پیروزی نرسیده، اما شکست هم نخورده است. این خود در جهان امروز یک پیروزی است. این انقلاب زنده است، می‌رزمد، سازمان می‌دهد، می‌آموزد و پیش می‌رود. برای دیگر انقلابهای ممکن، این یک الهام است؛ برای نیروهای ضدانقلابی، یک تهدید؛ و برای نسل‌های آینده، سندی است از این‌که مردم، اگر اراده کنند، می‌توانند هر دستگاهی–حتی دولت هند–را به لرزه درآورند.

با تشکر از رفیق (ا _ د) از اصلاح متن

payamX